

آثار تربیتی شرم و حیا از منظر قرآن و احادیث

سید محمد میر دامادی^۱، لیلا صیامی^۲

۱. استادیار بخش فلسفه دانشگاه پیام نور- ایران

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بخش علوم تربیتی دانشگاه پیام نور- ایران

چکیده

در آموزه های دینی مقوله های سه گانه شرم و حیا، عقل و دین از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. بدین معنا که هر کجا حیا باشد عقل و دین و هر کجا عقل باشد، حیا و دین و بالاخره هر کجا دین باشد عقل و حیا نیز در کنار آن خواهند بود. به تعبیر دیگر این سه مقوله ارزشی لازم و ملزوم یکدیگرند و در سیره نظری و عملی مومن هیچگاه از یکدیگر جدا نمی شوند. حیا در روایات اسلامی، کلید بسیار از خوبی ها معرفی شده است و آثار و فواید فراوانی مانند: پیشگیری از گناه، کرامت نفس، عفت و پا کدامن، انجام خوبی ها، موفقیت، پاک شدن گناهان، محبت خداوند دارد. گاه در حیا، مانند صفات خوب دیگر، افراط یا تفریط می شود. دسته ای راه تفریط را می پیمایند و بدون تفکر، به هر عملی دست می زنند. در مقابل، عده ای نیز راه افراط را بر می گزینند و به نام حیا، از حضور در اجتماع خودداری می کنند، در حالی که قلمرو حیا امور زشت و ناپسند است و شرم ساری در انجام نیکی ها هیچ گاه پسندیده نیست و لذا در بسیاری از روایات حیورزی در برخی موارد مانند: حیا ورزیدن از گفتار، کردار و درخواست حق، تحصیل علم، تحصیل درآمد حلال، خدمت به مهمان، احترام گذاشتن به دیگران، درخواست از خداوند، خدمت به خانواده و... ممنوع شده است.

واژه های کلیدی: شرم، حیا، عفت.

مقدمه

از صفات انسان و الهی که در آموزه های دین دارای جایگاه خاص است و رابطه تنگاتنگ با ایمان دارد، صفت حیا است. کلمه حیا در لغت به معنای شرم است و با توجه به تعارف بیان شده، حیا زمانی ایجاد می شود که فرد حضور شخص یا اشخاص دیگری را حس کند که این اشخاص ناظر بر اعمال انسان هستند..

حیا، حالتی نفسانی است که آثار آن در چهره و رفتار خودنمایی می کند. شرم و حیا به شکل انقباض و گرفتگی در درون انسان و به صورت سرخ رویی در چهره و صورت پدیدار می گردد. این گونه شرم و حیا از آن جایی که به صورت حال و زمان مند می باشد و صفت و وصف پایدار به شمار نمی آید به عنوان فضیلت مورد ستایش و تقدیر نیست. بلکه زمانی که شرم و حیا به صورت پایدار در آید، به عنوان فضیلتی انسانی و منش نیکو مورد ستایش خردمندان قرار می گیرد.

شرم و حیایی که به عنوان فضیلت از آن یاد می شود، معنا و مفهوم دیگری را القا می کند که در حوزه عمل نیکوی انسانی و رفتارشناسی هنجاری قرار می گیرد. شخصی که از صفت حیا برخوردار است در منش و کنش خویش انسانی است که از زشتی ها و ناهنجاری ها پرهیز می کند و خود را آلوده به آنها نمی سازد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷). این مفهوم درباره ذات خداوندگاری بدین معنا که گفته شد نمی باشد، زیرا خداوند منزّه و پاک از چنین وصفی است، چه آن که انقباض و گرفتگی درباره خدا معنا ندارد. بنابراین مراد از این که خداوند دارای صفت شرم و حیاست به معنای این است که خداوند قبیح و زشتی ها را ترک می کند و آن را انجام نمی دهد.

به سخن دیگر برای واژه شرم و حیا دو معنای مختلف است: معنایی که اشاره به حالت انفعالی دارد و در حقیقت واکنش نفس انسانی است به کنشی که نسبت به وی انجام می شود، دوم معنایی که به صفتی در انسان و یا غیر انسان اشاره دارد و به عنوان امر پایدار مطرح می باشد. در این صورت می توان آن را به خداوند به شکل کمالی آن نسبت داد. در این معنا حیا به معنای پرهیز از زشتی ها و دوری از انجام قبیح است. مفهوم ضد آن در این صورت وقاحت و بی شرمی است که امری ناهنجار و منش و کنشی زشت بشمار می رود (پسندیده، ۱۳۸۴).

حیا و شرم در قرآن

قرآن به مساله شرم و حیا به عنوان صفت و فضیلت انسانی اشاره می کند و از انسان ها می خواهد که مردمانی خوددار از ارتکاب زشتی ها و قبیح باشند. بی گمان مساله حیا و شرم یکی از مباحث مهم اجتماعی است که بازخوانی نگرش قرآن به آن می تواند در نحوه رفتار و منش انسان مومن بسیار تاثیرگذار باشد.

برای درک درست مفهوم قرآنی حیا بهتر آن است که به نشانه‌های حیا در آموزه‌های قرآنی توجه شود، زیرا با نگاهی گذرا به آیات قرآنی می‌توان چستی و ماهیت حیا و شرم را در آموزه‌های وحیانی دریافت و با کاربردهای اجتماعی آن آشنا شد.

قرآن در تحلیل رفتار انسان بهره‌مند از فضیلت حیا می‌فرماید که او مراعات همه‌گونه ادب را می‌کند و رفتاری زشت و ناهنجار از خود بروز نمی‌دهد. از آن جایی که قرآن به همه مباحث عقیدتی و کلامی و فلسفی با نگاهی ملموس و عینی می‌نگرد مصادیقی از رفتارهای مرتبط با شرم و حیا را بیان می‌کند. در این جا به برخی از این مصادیق به عنوان نشانه‌هایی از حیا پرداخته می‌شود. از نمونه‌هایی که قرآن به عنوان بازتاب منش و صفت حیا و شرم در انسان برمی‌شمارد، حفظ عورت خویش از دیگران است. قرآن پوشاندن شرمگاه را از نشانه‌های حیا برمی‌شمارد.

در داستان حضرت آدم (ع) و حوا ضمن آن که حیا را امری فطری و طبیعی برای بشر می‌خواند بیان می‌کند که چه سان آن دو به حکم صفت حیا وقتی شرمگاهشان با خوردن میوه ممنوع آشکار شد، با برگ‌های درختان بهشتی پوشیدند تا خویشان را بپوشانند (اعراف آیه ۲۲ و طه آیه ۱۲۱).

همچنین قرآن توضیح می‌دهد که نشانه بنده خدا بودن عفت و اجتناب از روابط ناسالم جنسی است. (فرقان آیه ۶۳ و ۶۸) تا به این طریق ارزش و اهمیت حیا و عفت نفس را بیان کند. از این رو به مردان و زنانی که به جهاتی ناتوان از ازدواج هستند و در حالت تجرد زندگی می‌کنند دستور می‌دهد که تا زمان فراهم شدن امکان زندگی، عفت خویش را حفظ کنند و با حیا و شرم رفتار نمایند (نور آیه ۳۲ و ۳۳).

حیا در روایات

در روایتی که برخی کتب از پیامبر (ص) نقل می‌کنند آن حضرت نسبت به کسی که گله گوسفندان آن حضرت را می‌چراند به جهت آشکار کردن شرمگاه تندی می‌کند، زیرا او برای این که جامه‌هایش کم‌تر آسیب ببیند و دیرتر کهنه و پاره شود آنها را از تن به درمی‌آورد و لخت و عریان در بیابان می‌گشت. توجیه وی این بود که در این بیابان کسی نیست مرا ببیند تا خود را پوشیده دارم. آن حضرت می‌فرماید انسان با شرم و حیا کسی است که خود را عریان نمی‌سازد حتی اگر تنها باشد.

یکی از صفات انسانی و الهی که در چگونگی زندگی انسان مؤثر است، و از عوامل مهم بازدارنده که باعث حفظ جامعه از آلودگی‌ها و انحراف‌ها می‌شود، صفت شرم و حیاست. این صفت در آموزه‌های دینی، دارای جایگاه خاصی است و رابطه تنگاتنگی با ایمان، عفت، تقوا و ملکات نفسانی دیگر دارد. آنچه سلامت فرد و جامعه و ارزشهای متعالی انسانی را تضمین می‌کند، رعایت حیا در حوزه فردی و اجتماعی است. شرم و حیا به دلیل تأثیر شگرفی که در ایمان و تعهد انسان دارد، در اسلام و آموزه‌های دینی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ در برخی احادیث ائمه حیا را ملازم با ایمان دانسته‌اند (محمدری شهری، ۱۳۷۷). همچنین امام صادق (ع) در حدیثی حیا را رأس مکارم اخلاقی دانسته است، و در روایات

متعددی آمده است که اگر حیا نباشد، همه چیز جایز می شود که این روایات نشان دهنده جایگاه ویژه این صفت در ساختار روانی انسان، و حکایت گر اهمیت فوقالعاده آن در موفقیت انسان است. از آنجا که حیا صفتی است در نهاد انسان که با کسب ایمان و تلاشی مطلوب به شکوفایی می رسد، ائمه معصومین در توصیه های خویش به رعایت حیا همراه با ایمان به خدا تأکید نموده اند. در برخی روایات حیا به عنوان یکی از شاخصه های اصلی انسان مسلمان عنوان شده است و این ارزش دینی را لازمه ایمان عنوان کرده اند. نمونه ای از این روایات به قرار زیر است:

امام باقر(ع): «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَاذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبَعَهُ صَاحِبُهُ» حیا و ایمان به هم پیوسته اند؛ هرگاه یکی از آنها برود دیگری هم در پی آن روانه شود. پیامبر خدا (ص): «الْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ» حیا همه دین است.

امام علی(ع): حیا زیاد مرد نشانه ایمان اوست یا خردمندترین مردم باشم ترین آنهاست. همچنین امام صادق(ع) می فرمایند: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد» (خادم پیر، ۱۳۹۴).

حیا از منظر علمای اخلاق

در منابع اخلاقی در تعریف حیا از تعبیرهای گوناگونی استفاده شده است، که در این جا نمونه هایی از آنها را می آوریم:

۱. «حیا، عبارت است از حصر(محصور شدن) نفس و انفعال(درماندگی) آن در ارتکاب حرام های شرعی و عقلی و عرفی، به جهت ترس از سرزنش و نکوهش مردم؛ یعنی ترس از سرزنش مردم موجب می شود که انسان در مواجهه با امور سه گانه حرام شرعی، عقلی و عرفی، منفعَل شده، از نظر روانی دچار حصر و تنگنا گردد(نراقی، ۱۳۷۷).

۲. «حیا، ملکه ای نفسانی است که موجب انقباض نفس از فعل قبیح (کار زشت) و انزجار (بیزاری) آن از کار خلاف ادب می گردد. این کار به جهت ترس از سرزنش صورت می گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). در این تعریف از واژه انقباض استفاده شده است. روان انسان هنگام مواجهه با اموری که خوشایند ارزیابی می شوند، منبسط (گشوده و باز) می گردد و در مقابل، هنگام مواجهه با اموری که ناخوشایند ارزیابی می شوند، منقبض (گرفته و بسته) می گردد. هنگام حیا، روان انسان منقبض می گردد؛ از این رو در این تعریف از این واژه استفاده شده که بیانگر حقیقت یاد شده است. همچنین از واژه انزجار نیز استفاده شده که غیر از انقباض است و نشان می دهد که از دیدگاه این تعریف؛ حیا، همراه با انزجار و نفرت از موضوع حیا نیز هست (پسندیده، ۱۳۸۴).

۳. «حیا، نوری است که جوهرش صدر ایمان است و تفسیرش توقّف در هر چیزی که مخالف توحید و معرفت باشد» (اعلمی، ۱۴۰۰ق).

در این تعریف، فقط به جنبه بازدارندگی حیا اشاره شده و از بیان حالت‌های روانی آن و همچنین ویژگی‌های موضوع حیا، چیزی به چشم نمی‌خورد.

۴. «حیا، خصلتی است که انسان را بر ترک کردن فعل قبیح و جلوگیری از کوتاهی کردن در حق دیگران بر می‌انگیزد» (نووی و همکاران، ۱۴۱۹ق).

در این تعریف، به جنبه بازدارندگی اشاره شده و به یکی از مصادیق آن نیز تصریح شده است. از مجموع تعریف‌های اخلاقی چند نکته به دست می‌آید:

یکم. حیا، هنگام مواجه شدن با یک فعل قبیح رُخ می‌دهد.

دوم. در این حالت، روان انسان، حالت انکسار، انفعال، انقباض، انزجار و انحصار پیدا می‌کند.

سوم. این نوع برانگیختگی در عمل، هم موجب انجام دادن یک کار است و هم موجب ترک یک کار که از آن به عنوان تنظیم رفتار یاد می‌شود.

چهارم. حیا، زیر مجموعه ترس است؛ زیرا علت برانگیختگی هنگام مواجهه با یک کار زشت؛ یا ترس از سرزنش و نکوهش مردم است، و یا ترس از ارتکاب آن.

پنجم. منشأ زشت دانستن یک عمل، یا شرع است یا عقل و یا عرف و آداب یک جامعه. (پسندیده، ۱۳۸۴).

حیا در زندگی خانوادگی

حیا و شرم به اشکال مختلف وجود خارجی می‌یابد. به این معنا که انسان این صفت نفسانی را در زندگی خویش به اشکال مختلف بروز می‌دهد و رفتارهای خویش را بر پایه آن سامان می‌بخشد. انسان با حیا کسی است که در رفتار و گام برداشتن نیز رعایت حیا و آزر را می‌کند (نور آیه ۳۱ و قصص آیه ۲۵). در پوشش و یا کارهای دیگر آن را نشان می‌دهد و رفتاری بر پایه آداب اجتماعی و سنت‌های پسندیده دارد. در زندگی خانوادگی نیز رفتار انسان با حیا رفتاری برخاسته از این صفت است به گونه‌ای که در خانه به نوعی عمل می‌کند که حوزه عفت و حیا شکسته نشود و خانواده از این جهت آسیب نبیند. بر همگان آشکار است که در خانه رفتارهایی انجام می‌شود که امکان آن در بیرون خانه نیست. شخص، روابط جنسی خویش را در خانه سامان می‌دهد. این گونه روابط برای دیگر اعضا می‌تواند خطرناک باشد. از این رو قرآن به مردان و زنان حکم می‌کند که در زمانی خاص خلوت کنند و از جهتی برای حفظ اصول اخلاقی و محافظت بر حیا و عفت به فرزندان دستور می‌دهد که در زمان‌های معینی به خلوت گاه پدر و مادر وارد نشوند. قرآن در آیه ۵۸ سوره نور از خلوتگاه همسران سخن می‌گوید.

به سخن دیگر وجود زمان و جایگاهی برای خلوت زن و شوهر و نیز لزوم اذن و اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به خوابگاه والدین، تنها به منظور حفظ حیا و عفت خانواده و فرزندان است. در مسئله ازدواج، تأکید بر لزوم همسرگزینی از میان زنان پاکدامن و عقیف و با حیا تنها به این منظور است که خانواده که بنیادین

ترین مرکز تربیت و آموزش فرزندان است از هر نظر از استحکام طبیعی و رفتاری خوبی برخوردار باشد (نساء آیه ۲۵). انسان اگر با شخصی بی حیا ازدواج کند نه تنها خود آسیب می بیند بلکه نسلی خطرناک و بی حیا تحویل جامعه می دهد که آسیب های آن، دو چندان و فراتر از مسئله شخصی و فردی است. از این رو قرآن مردم را از ازدواج با زنان غیرعقیف و بی حیا بازمی دارد (مائده آیه ۵). به هر حال انسان های بی حیا نه تنها خود گناهکار هستند (نساء آیه ۱۰۷) بلکه موجب می شوند تا جامعه نیز از رفتار آنان آسیب ببیند.

قرآن بیان می کند که بسیاری از افراد وقیح و بی حیای جامعه، در حقیقت منحرفان جنسی هستند و لذا هشدار می دهد که با این افراد نباید ازدواج کرد و خانه ای برپای وقاحت بنیاد نهاد (مومنون آیه ۵ تا ۷ و نور آیه ۳ و ۲۶)

حیای نا به جا

با این همه برای فهم احکام شرعی می بایست با حفظ آداب، از برخی از اموری که به ظاهر در حوزه حیا قرار می گیرد اجتناب ورزید. از این رو گفته اند که لایحیاء فی الدین، به این معنا که در فهم و آموزش دین و احکام و آموزه های آن نباید حیا کرد و لازم است حتی از مطالب ریز و درشت سؤال نمود. برخی از افراد از حیای مومنان سوءاستفاده می کنند و می کوشند تا برخی از مسایل را بر ایشان تحمیل کنند چنان که این مسئله موجب شده بود که پیامبر دچار مشکل شود و خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب به حیای محمد(ص) اشاره می کند و می فرماید برخی از رفتارهای شما، پیامبر را می آزارد ولی ایشان حیا می کنند و چیزی نمی گویند. به عنوان نمونه برخی با مزاحمت های وقت و بی وقت به صورت مهمان، موجب آزار پیامبر می شدند که آن حضرت نمی توانست آنان را از خانه بیرون کند. زیرا حیای ایشان مانع این کار می باشد. اما خداوند می فرماید لازم نیست تا این حد حیا و شرم ورزد(حرانی، ۱۳۸۲).

بنابراین نیازی نیست به گونه ای رفتار کرد که حیا خود عامل بازدارنده در زندگی عادی بشر شود. چنان که نیازی نیست انسان در بیان حقایق شرم و حیا را در پیش گیرد. (بقره آیه ۲۶ و احزاب آیه ۵۳) این ها بخشی از آموزه های قرآنی درباره مسئله حیا بود که بر پایه آیات قرآنی تبیین و تحلیل شد. برای دست یابی به حیا می بایست آموزه های قرآنی را مبنا قرار داد و بر پایه آن عمل کرد تا در زندگی شخصی و اجتماعی موفق شد.

آثار و فواید حیا

حیا در روایات اسلامی، کلید بسیاری از خوبی ها معرفی شده است و آثار و فواید فراوانی دارد. شناخت فواید حیا، اهمیت آن را بیشتر نمایان می سازد. به همین دلیل در اینجا به مهمترین آثار حیا اشاره می شود:

— امنیت و آرامش روانی: سست شدن حریم حیا و عفاف بین زن و مرد سبب هیجانات و تقاضاهای فزاینده جنسی می‌شود و به دنبال آن امنیت از افراد جامعه سلب می‌گردد. دین مبین اسلام بر زنان واجب کرده که با حُجَب و حیا قدم به اجتماع گذارند و با رفتارهایی ناشایست فضای جامعه را ملتهب نکنند و خود و دیگران را به گرداب متلاطم گناه نکشانند. در ضمن از مردان می‌خواهد با نگاه‌های هرز و حرام سلامت جامعه را از بین نبرند. پیشوایان دین که همواره بر سعادت و راهنمایی انسان‌ها تأکید داشته‌اند در خصوص پوشش زنان دستورهای فرموده‌اند که حاوی نکات ظریف و دقیقی است و رعایت آنها مصالح فردی و اجتماعی را سبب می‌گردد.

— تحکیم پیوند خانوادگی: ارتباط صمیمی بین زن و شوهر، بقای کانون گرم و پرنشاط خانواده را تأمین نموده، این هدف حاصل نمی‌شود مگر با محدود کردن بهره‌وری‌های مشروع، در خانواده و منع لذت‌جویی‌های غیر مشروع در محیط اجتماع. در پرتو پوشش و حجاب واقعی به روابط آزاد زن و مرد پایان داده می‌شود و آنها خود را ملزم به پاسداری از حریم و بنیان خانواده می‌دانند و از گسیختن و نابودی ارتباطات خانواده جلوگیری به عمل می‌آورند.

— استواری اجتماع: زنان بخش عظیمی از نیروی فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و با حضور در ابعاد مختلف: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش مؤثری را در پیشرفت و رشد ملت‌ها به عهده می‌گیرند. حضور بانوان در محیط کار و فعالیت، همراه با پوشش مناسب، آنها را از تعرض نامحرمان حفظ کرده و سبب می‌شود با امنیت و آرامش خاطر به انجام وظایف بپردازند. در فضایی که معاشرت زن و مرد آزاد باشد، فساد و بی‌بند و باری رشد کرده و به ضعف و رکود فعالیت‌های اجتماعی می‌انجامد.

وظیفه پدر و مادر در رشد دادن حیای فرزندان در همه ابعاد

مسأله حیا در باب تربیت یک نقش زیر بنایی دارد به این معنا که پدر و مادر که به طور معمول و متعارف دو مربی دست‌اول برای انسان هستند، اینها آنچه را که باید روی آن دقت کنند این است که نکند من پرده حیای این بچه را بدرم، بلکه پرده حیای او را حراست و حفاظت و رشد بدهند. نمی‌خواهد تو به او حیا بیاموزی نه! سرکوبش نکن، خود او شرم ذاتی دارد. این را رشدش بده. چه در بُعد دیداری، چه در بُعد شنیداری، چه در بُعد رفتاری، چه با هیکل‌ت، چه با لباس‌ت، چه با لباسش. بالاترین جنایت پدر و مادر در باب تربیت نسبت به فرزند اینجاست که - نعوذ بالله - در این سه رابطه پرده حیای الهی این بچه را بدرند. اینکه بچه هر کاری دل او می‌خواهد بکند و هر چه می‌خواهد بگوید و هر چه می‌خواهد ببیند.

لذا در باب تربیت این مسأله وجود دارد و هیچ قابل شبهه هم نیست، که آن هسته مرکزی که کاربرد زیاد دارد در باب تربیت است. آن کسانی که اسیر هواهای نفسانیشان هستند که می‌خواهند در جامعه به اهداف شیطانیشان برسند، از همین راه وارد می‌شوند: ترویج لابی‌گری، چه در بُعد الهی آن، چه در بُعد انسانی آن، در هر دو بُعد. همین کار را می‌کنند و به اهدافشان می‌رسند، جامعه را سوق می‌دهند به بی‌بندوباری به

معنای پرده‌داری، پرده حیای جامعه را می‌درند چه در بُعد دینی آن، و چه در بُعد الهی آن، و چه در بُعد انسانی آن و دیگر هر جنایتی بخواهند می‌کنند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و توصیفی می‌باشد. مطالب پژوهش از کتب و مقالات چاپ شده در این زمینه تهیه شده است.

نتیجه‌گیری

حیا از جمله فضائل اخلاقی و از جمله بازدارنده‌های است که در واپایش رفتار انسان نقش دارد از همین رو باید راهکارهایی برای حفظ حیا در جامعه و گسترش فرهنگ حیا اندیشیده شود. اگر تقویت حیای نفسانی در آموزش افراد جدی گرفته شود بخش زیادی از مشکلات فرهنگی مرتبط با حوزه عفاف برطرف می‌شود.

بر مبنای تعاریف، حیای ایمانی به درک و احساس حضور و نظارت خداوند و باور انسان به بسته حضور ناظرانی که انسان آن‌ها را نمی‌بیند وابسته است. از طرف دیگر این حیا به جنسیت وابسته نیست. به همین دلیل هر چه ایمان و اعتقاد افراد (اعم از زن و مرد) به خداوند و عالم غیب بیشتر شود به همان نسبت حیای ایمانی در آنها تقویت می‌شود.

واژه شرم و آزر را می‌توان در فارسی به جای حیا قرار داد. در برخی منابع، اجتناب نفس از اموری که هراس، ملامت و مجازات را به دنبال دارد، حیا نامیده اند که دو نوع است: نفسانی و ایمانی. نوع اول را خداوند در تمامی آحاد بشر قرار داده است. ایمان، اصولاً شرمی است که مؤمن به جهت خوف از پروردگار، از ارتکاب معصیت پرهیز می‌نماید. در تأیید این مطلب امام سجاد (ع) فرمود: «از خدا بترس، به سب قدرتی که بر تو دارد و از او شرم کن، به جهت نزدیکی اش به تو».

برخی از مفسران معاصر خاطرنشان نموده اند این واژه از حیات گرفته شده است زیرا بر اثر شرم و احساس قبح امکان دارد تغییری در روند زندگی آدمی پدید آید، مانند حالتی که در چهره و گونه‌های افراد بر اثر این خصلت پدید می‌آید.

از پاره‌ای روایات استفاده می‌شود که انسان وقتی مرتکب گناهی شود و از آن استغفار نماید و با یادآوری حالت معصیت شرمسار گردد خداوند وی را می‌آمرزد و سیئاتش را به حسنات تبدیل می‌کند. بنابراین حالت روانی پس از توبه، شکلی از حیاست. حیا برخاسته از عزت نفس و بیداری وجدان است که با فروغ آن انسان از منکرات و پلیدی‌ها ناراحت می‌شود اما در حالت بی‌حیایی آنچنان گستاخ می‌گردد که در برابر پروردگار دست به عصیان می‌زند. آفاتی چون خودخواهی و تکبر، بی‌حیایی را در انسان تشدید می‌نماید.

یکی از آثار تربیتی شرم و حیا، عفت و پاکدامنی است. داشتن حیا و عفت در نیل به کمالات انسانی و تقرب به پیشگاه الهی تأثیرگذار بوده و کسب این شایستگی، انسان را به مقامات عالی و دوستی پروردگار رسانده است تا جایی که موجب پرهیز از حرام و عفت ورزی، صاحب باطنی پاک و بصیرتی نیک شده و در پهنه عالم به برکت حضور و وجود آنها، انسان های بسیاری از شعاع انوار ملکوتی بهره مند شده و از رنج و عذاب رهایی یافته اند. در این زمینه کیفی بچستانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان تبیین آثار تربیتی حیا و ادب بر زندگی انسانها از دیدگاه قرآن کریم این طور بیان نمود که حیا و ادب عامل بازدارنده انسان از رذائل اخلاقی و محرکی برای کسب فضائل اخلاقی در اوست و در حفظ حریمهای انسانی دخیل است، حیا و ادب مبتنی بر حرمت و کرامت انسانهاست و فقط به بشر اختصاص دارد، ارتباط مستقیم با هیبت الهی دارد یعنی هر که عظمت و هیبت الهی پیش او بیشتر، حیا و ادب او نیز بیشتر است، رابطه تنگاتنگی با ایمان دارد.

در نهایت حیا و شرم هم نقش پیش گیری و هدایت جامعه و هم نقش کنترل و بهینه سازی روابط را دارد بنابراین به سوالات ویژه پاسخ داده و موارد ذیل مشخص شد که در زندگی فردی افرادی که خواهان عفت و تقوا هستند، باید در رفتارهای خود دقت لازم را به عمل آورند همانگونه که دختر شعیب نه تنها در راه رفتن خودنمایی نکرد بلکه به هنگام بیان مطالب، به خلاصه گویی اکتفا کرد و صرفاً پیام پدر را به موسی علیه السلام رسانید. همچنین حیا و ادب زیر بنای کسب پیروزی و کامیابی در زندگی فردی است و منحصر به سن و جنس خاصی هم نیست بدین معنا که هر شخصی چه زن یا مرد و در هر سنی هر چه حیا و ادبش بیشتر باشد از درجه عقل و ایمان بالاتری برخوردار است. در زندگی اجتماعی نیز از نشانه های امنیت و بقای خانواده و استحکام جامعه مسئله ی حجاب و پوشش است که حکم مسلم اسلام برای زنان و مردان است همچنین حفظ حرمتها بین افراد جامعه با توجه به نسبت بین آنها ضروری است. در اسلام جایگاه هر کس تعریف شده است. پدران و مادران نباید پرده شرم و حیای میان خود و فرزندان را کنار بزنند و فرزندان نیز باید حرمت والدین را نگه دارند. در نهایت برای گسترش مفهوم عملی حیا و ادب در راستای رشد و تحول انسانها بر اساس دیدگاه قرآن کریم راهکار نهادینه کردن حیا و ادب از جانب خانواده، وظیفه شناسی والدین و رعایت شئون شرعی و اخلاقی در گفتار، رفتار، ارتباطات اجتماعی حتی نوع پوشش آنها در محیط خانه است و از جانب عوامل مختلف از جمله مدارس، میدان دادن به نوجوانان در فعالتهای اجتماعی و تشویق و ترغیب آنان به این گونه فعالیتها و از طرفی کنترل و نظارت بر عملکرد آنان که البته از اعتدال لازم هم برخوردار باشند و بالاخره با تاکید بر معرفی نمونه های قرآنی حیا و ادب که مورد اشاره قرار گرفتند فرهنگ سازی در گستره خانوادگی طبق شرع مقدس اسلام است که در رفتارهای اعضای خانواده بویژه والدین ملکه شود. جایگاه سازمان صدا و سیما و نوع تبلیغ آن بویژه در عملکرد افراد بازیگر و مجری که برخی از آنان با تیکه کلامها و یا حرکات خاصی در بازیگری بی حیایی را هم ترویج می کنند و نیز نقش والای دفتر تبلیغات اسلامی و سازمات تبلیغات اسلامی و حوزه های علمیه، روحانیون مبلغ،

فضلا و ائمه جماعات نیز که ارتباط مستقیم با مردم دارند و نیز نقش وزارت علوم و تحقیقات در نهادهای
کردن حیا و ادب در قشر بزرگ جوانان کشور را در این زمینه نباید از نظر دور داشت.



فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- اعلمی (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعه منسوب به امام صادق، چاپ اول، بیروت.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۴). پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: انتشارات دارالحدیث.
- حرانی، حسن ابن شعبه (۱۳۸۲). تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی.
- خادم پیر، علی (۱۳۹۴). خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن، بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۲، ص ۱۲۷-۱۵۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). المفردات، قم: انتشارات معارف و فرهنگ قرآنی.
- کیفی بچستانی، محمد (۱۳۹۴). تبیین آثار تربیتی حیا و ادب بر زندگی انسانها از دیدگاه قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، ج ۶۸، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- نراقی، ملا محمد مهدی (۱۳۷۷). جامع السعادات، ج ۳، بیروت: بی تا، چاپ چهارم.
- نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، ریاض الصالحین، (۱۴۱۹ق). بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ سوم.

